

ای شرقی غمگین وقتی آفتاب تو رو دید
تو شهر بارونی بوی عطر تو پیچید
شب راهشو گم کرد تو گیسوی تو گم شد
آفتاب آزادی از تو چشم تو خندید

ای شرقی غمگین تو مثل کوه نوری
نذار خورشیدمون بمیره
تو مثل روز پاکی، مثل دریا مغروری
نذار خاموشی جون بگیره

ای شرقی غمگین بازم خورشید دراومد
کبوتر آفتاب از رو بوم تو پر زد
بازار چشم تو پر بوی بهاره
بوی گل گندم تو رو به یاد میاره

ای شرقی غمگین تو مثل کوه نوری
نذار خورشیدمون بمیره
تو مثل روز پاکی، مثل دریا مغروری
نذار خاموشی جون بگیره

ای شرقی غمگین چه سخته بی تو مردن
سخته به ناچاری به دندون لب فشردن
سخته توی مرداب گل تنهایی کاشتن
اما مجالی نیست برای غصه خوردن

ای شرقی غمگین تو مثل کوه نوری
نذار خورشیدمون بمیره
تو مثل روز پاکی، مثل دریا مغروری
نذار خاموشی جون بگیره

ای شرقی غمگین زمستون پیش رومه

با من آگه باشی گل و بارون کدومه
آواز دست ما می پیچه تو زمستون
ترس از زمستون نیست که آفتابش رو بومه

ای شرقی غمگین تو مثل کوه نوری
نذار خورشیدمون بمیره
تو مثل روز پاکی، مثل دریا مغروری
نذار خاموشی جون بگیره

ای شرقی غمگین دیار غرب همونه
تو آبی چشماتش غریبی کرده لونه
دستای مردونه اش یخ سرد زمستون
برگرد به آغوشم تا برگردیم به خونه

ای شرقی غمگین تو مثل کوه نوری
نذار خورشیدمون بمیره
تو مثل روز پاکی، مثل دریا مغروری
نذار خاموشی جون بگیره